

مقدمه

تربیت فرزند را از چه زمانی باید آغاز کرد؟ این سؤالی است که ذهن بیشتر کسانی را که صاحب فرزند می‌شوند، یا سرپرستی فرزندی را بر عهده دارند، به خود مشغول می‌کند. پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده شده است؛ برخی سنین شش تا هفت سالگی را مطرح کرده‌اند (مظلومی، ۱۳۶۶، ص ۳۴)، عده‌ای دیگر شروع تربیت را آغاز تولد و برخی آن را سال‌ها قبل از تولد می‌دانند.

یکی از روان‌شناسان می‌گوید: «از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی باید تربیت را آغاز کرد؟ حکیم در پاسخ گفت: از بیست سال قبل از تولد و اگر به نتیجه لازم نرسیدید، معلوم می‌شود که باید زودتر از آن شروع می‌کردید» (سادات، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۱).

در سیره معصومان علیهم‌السلام، تربیت کودک پیش از تولد کودک آغاز می‌شود. اما، نه از بیست سال قبل، بلکه از زمان انتخاب همسر و ازدواج. با انتخاب همسر تقریباً گانون تربیت رقم می‌خورد؛ زیرا عوامل مؤثر در تربیت، گذشته از فطرت، که در اختیار انسان نیست، یا عوامل وراثتی هستند یا محیطی که با انتخاب همسر، پرونده عوامل وراثتی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته خواهد شد؛ زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می‌دهد. در میان این دو، «محیط خانواده» مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند؛ زیرا کودک حساس‌ترین زمان رشد و تربیت خود را در خانواده می‌گذراند.

۱. انتخاب همسر

زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می‌روند و خانواده مهم‌ترین نقش را در تربیت فرزند ایفا می‌کند؛ از این رو، اگر همسران، از لحاظ جسمی، افرادی سالم و از لحاظ روحی و معنوی، صالح و تربیت یافته باشند به جدّ می‌توان گفت بخش مهمی از تربیت فرزند، سامان یافته و تضمین شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام هم، دیگران را به این امر خطیر سفارش کرده‌اند و هم خود در انتخاب همسر دقت نموده‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

انكحوا الأكفاء و انكحوا منهم و اختاروا لنطفكم (حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۲۹):
به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود [جایگاهی مناسب] انتخاب کنید.

و نیز می‌فرماید:

اختاروا لنطفكم فانّ الخال احد الضجیعین (همان، ص ۲۸، ش ۲): برای نطفه‌های خود، [جایگاهی مناسب] انتخاب کنید که [ویژگی‌های] دابی در [شکل‌گیری شخصیت] فرزند اثرگذار است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام در عمل، درباره خود و خانواده خود چنین کرده و در انتخاب همسر، دقت لازم را مبذول داشته‌اند. در داستان ازدواج حضرت فاطمه علیها‌السلام، نقل شده است که افراد بسیار و به انگیزه‌های مختلف، تنها یادگار پیامبر گرامی اسلام را از وی خواستگاری کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با روی گرداندن از آنها (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۴۰) یا با بیان این جمله که «منتظر قضای الهی می‌مانم» (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۱۹)، دست رد به سینه هر کدام می‌زد. اما همین که پسرعموی وی، امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، برای خواستگاری نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد، حضرت با چهره‌ای گشاده با او برخورد کرد و فرمود:

ما جاء بك يا ابا الحسن؟ حاجتك؟؛ چه نیازی تو را به اینجا آورده است؟

امیرمؤمنان علی علیه السلام در پاسخ، خواسته خویش را مطرح کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی، آنه قد ذکرها قبلک رجال فذکرک ذلك لها فرأیت الکراهة فی وجهها و لکن علی رسلک حتی أخرج إلیک؛ ای علی، پیش از تو کسان دیگری نیز فاطمه را از من خواستگاری کرده‌اند و من خواست آنها را به فاطمه علیها السلام گفتم، اما کراهت را در چهره او یافتم، ولی صبر کن تا بازگردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مطرح کردن خواسته علی علیه السلام با دخت گرامی خویش، همین که سکوت و عدم اعراض و کراهت او را دید، با خوشحالی بانگ «الله اکبر» برآورد و فرمود: سکوتها اقرار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۹۳)؛ سکوت زهرا، علامت رضایت و خواست اوست.

همچنین علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در جستجوی من به ام‌ایمن فرمود: ام‌ایمن، برادرم کجاست؟ ام‌ایمن گفت: برادرت کیست؟ پیامبر فرمود: علی ام‌ایمن گفت: ای رسول خدا، دخترت را به همسری کسی می‌دهی که برادر توست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آری ام‌ایمن، به خدا قسم دخترم را به هم‌شانش که مردی است شریف و آبرومند در دنیا و آخرت و کسی که در درگاه خدا مقرب است، به همسری دادم (همان، ص ۱۰۵).

همچنین، نقل شده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به همسری علی علیه السلام داد، نزد او آمد و دید که فاطمه علیها السلام گریان است، فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ به خدا قسم اگر در خاندان من کسی بهتر از علی علیه السلام بود تو را به علی نمی‌دادم (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۸، ش ۶). البته ناراحتی حضرت فاطمه علیها السلام به دلیل ازدواج با حضرت علی علیه السلام نبود، بلکه به این دلیل بود که زنان قریش او را سرزنش می‌کردند و می‌گفتند: پدرت تو را به مردی فقیر و... شوهر داده است.

در روایت دیگری حضرت فاطمه علیها السلام، خود به سرزنش زنان قریش تصریح می‌کند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فضائل علی علیه السلام را برای او برمی‌شمرد (خوارزمی، ۱۴۱۱، ص ۳۵۴). البته در این باره روایات دیگری نیز هست که حاکی از انجام این ازدواج به خواست پروردگار است؛ ولی در بعضی از همین روایات تصریح شده که این امر از آن جهت است که کسی جز علی علیه السلام هم‌شان و کفو فاطمه علیها السلام نیست (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۷۸). علی علیه السلام نقل می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود:

برخی مردان قریش مرا سرزنش کرده‌اند که چرا با وجود خواستگاری ما، فاطمه علیها السلام را به همسری علی درآوردی؟ ولی من به آنها گفتم: به خدا قسم، من مانع ازدواج او با شما نشدم و من او را به همسری علی درنیاوردم. جبرئیل بر من نازل شد و گفت: «خدا می‌گوید: اگر علی را خلق نمی‌کردم، برای دخترت فاطمه علیها السلام تا ابد هم‌شانی نبود» (همان؛ ج ۱، ص ۴۶۱).

اشکالی که ممکن است در اینجا مطرح شود آن است که این سیره با روایات ائمه علیهم السلام که می‌فرمایند: در ازدواج سخت‌گیری نکنید و هرگاه خواستگاری آمد که از خُلق و دین او راضی هستید، او را رد نکنید، در تعارض است؛ مثلاً امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

إذا جائكم من ترضون خلقه و دینه فزوجه الآ تفعلوا تَكُن فتنة فی الارض و فساد کبیر (همان، ج ۵، ص ۳۴۷)؛ هرگاه کسی به خواستگاری نزد شما آمد که از دین و اخلاق او راضی هستید، او را رد نکنید و اگر چنین کنید، در زمین فتنه و فساد بزرگی ایجاد خواهد شد.

در روایت دیگری دین و امانت نیز شرط شده است (همان‌جا).

در پاسخ، باید گفت: اولاً، این روایات می‌گویند که به دین و اخلاق و حتی امانت باید توجه شود و هرگاه در این چند مورد رضایت حاصل شد، دیگر سخت‌گیری نکنید؛ یعنی سخت‌گیری نکردن و سهل گرفتن نسبت به دین، اخلاق و امانت نیست، بلکه سهل‌گیری در امور مادی و فقر و غنا و طبقه اجتماعی فرد و مهریه و امثال اینهاست. ثانیاً، بر فرض که سهل‌گیری در امور دینی نیز مطرح باشد، منظور روایت برای وقتی است که انسان به اصل دین و ایمان فرد اطمینان دارد، ولی به دنبال سطح بالای ایمان و دین باشد. امام باقر علیه السلام در آن روایت این مورد را نهی کرده است. شاهد آن نیز، این است که علی بن اسباط به امام باقر علیه السلام می‌نویسد: «برای دخترانم کسی را که مثل خودم باشد، نمی‌یابم. درباره آنها چه کنم؟» امام در پاسخ می‌فرماید: «به دنبال اینکه کسی مثل خودت را پیدا کنی، مباش. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه کسی که از دین و خُلق او راضی بودید به خواستگاری آمد، دختر را به او تزویج کنید» (همان‌جا)؛ یعنی علی بن اسباط به دنبال کسی مثل خودش بوده نه کفو و هم‌شأن دخترانش؛ بنابراین امام فرموده است: کسی که به دین و اخلاق او رضایت داری، او را رد نکن. ثالثاً، رضایت از دین و اخلاق امری ثابت نیست، بلکه امری نسبی است که درباره هر کس تفاوت می‌کند؛ شاید پیامبر صلی الله علیه و آله از دین یا اخلاق یا دین و اخلاق دیگر خواستگاران دختر خویش

راضی نبوده است. به علاوه، در تزویج، کفو و هم‌شان بودن همسران شرط است، که هیچ‌یک از خواستگاران حضرت فاطمه علیها السلام، جز علی علیه السلام، چنان نبودند. این مطلب در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

ولو لا خَلَقَ اللهُ فاطمةَ لِعَلِيٍّ لما كان في وجه الارض كفوُّ لها آدم و من دونه (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۶۱)؛ اگر خدا فاطمه علیها السلام را برای علی علیه السلام خلق نکرده بود، برای فاطمه علیها السلام کفوی از آدم علیه السلام تا پایان خلقت یافت نمی‌شد.

بنابراین، به تصریح خود پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی روایات، آن حضرت به بهترین خواستگار زهرا علیها السلام جواب مثبت داده است. دیگر اینکه، بر فرض که پذیرش پیامبر صلی الله علیه و آله به امر خدا بوده، امر خدا نیز براساس هم‌شان بودن امیرمؤمنان علی علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام بوده است و سوم اینکه منافاتی ندارد که هم خدا امر کرده باشد و هم پیامبر صلی الله علیه و آله و زهرا علیها السلام قلباً بدین ازدواج تمایل داشته باشند و بر این اساس عمل کرده باشند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام، خود نیز پس از رحلت فاطمه علیها السلام، هنگامی که قصد ازدواج می‌کند، به سراغ برادر خویش عقیل، که در علم انساب و شناخت قبائل عرب سرآمد بود می‌رود و از او می‌خواهد همسری را برایش بجوید که زاده شجاعان باشد و فرزندان شجاع و دلیر برایش بیاورد. عقیل با بررسی و جستجو در قبائل عرب، فاطمه کلایه را به علی علیه السلام پیشنهاد می‌کند و با این ازدواج شیرمردانی چون حضرت ابوالفضل علیه السلام و برادرانش متولد می‌شوند که دلیری و شجاعت آنها تا ابد بر صفحه تاریخ نقش بسته است (مطهری، ۱۳۶۷ الف، ج ۱، ص ۵۹). اگر امام سجاد علیه السلام نیز یکی از بهترین نوادگان امام مجتبی علیه السلام را به همسری برمی‌گزیند و از او باقرالعلوم علیه السلام متولد می‌شود، برای این است که انتخاب همسر، نقشی اساسی در تربیت دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «جده‌ام صدیقه‌ای بود که در خاندان امام حسن علیه السلام زنی به درجه و مرتبه او نرسیده است» (قمی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۷۳). همچنین برای انتخاب همسر مناسب و هم‌شان است که امام هادی علیه السلام که در سامرا زندگی می‌کرد، بشر بن مسلمان را به بغداد می‌فرستد تا کنیز پاک‌طینت رومی را خریداری کند تا او را به همسری فرزند خویش امام حسن عسکری علیه السلام درآورد و از او آخرین حجت حق، امام مهدی (عج) متولد شود (همان، ص ۷۴۵).

بنابراین، اهمیت مسئله انتخاب همسر در سیره معصومان علیهم السلام روشن است. اما باید توجه داشت که تمام اهمیت این مسئله برای تربیت فرزند نیست، بلکه چنان که در برخی از روایات

آمده، برای ایجاد تفاهم زن و شوهر و ثبات و آسایش خانواده نیز می‌تواند باشد، که آن هم محیط امن و سالمی را برای تربیت فراهم می‌آورد. برای نمونه، یکی از ویژگی‌هایی که معصومان علیهم‌السلام به رعایت آن در انتخاب همسر سفارش کرده‌اند و ازدواج امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام نیز با توجه به این ملاک بوده است، هم‌شان بودن زن و شوهر است. این امر مهم‌ترین عامل تفاهم زن و شوهر و استحکام نظام خانواده است که این نیز مهم‌ترین عامل در پرورش درست فرزندان است. در مقابل، تفاهم نداشتن همسران و درگیری آنها که موجب ایجاد خدشه در کانون تربیت می‌شود، مهم‌ترین و بیشترین عامل انحراف فرزندان است.

از دیگر ویژگی‌هایی که برای انتخاب همسر در سیره معصومان علیهم‌السلام به آن توجه شده، مسئله رفتار نیکو و ادب همسر است. حسین بن‌علی بشار واسطی می‌گوید:

به امام رضا علیه‌السلام نوشتم: یکی از نزدیکان من دخترم را از من خواستگاری کرده است، ولی بداخلاق است. امام در پاسخ نامه فرمود: اگر بداخلاق است، دخترت را به همسری او مده» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۹۲).

بنابراین، خوش‌اخلاقی از ویژگی‌های مهمی است که در انتخاب همسر باید بدان توجه داشت. البته شاید اهمیت بسیار آن به این علت باشد که این صفت، علاوه بر اینکه از طریق برخورد و معاشرت در فرزند تأثیر می‌گذارد، خود حاکی از اصالت خانوادگی فرد نیز هست؛ زیرا امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمود:

حُسن الاخلاق برهان کرم الاعراق (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۹۲)؛ اخلاق نیک، نشانه سرشت نیک خانوادگی است.

در پایان این بحث باید گفت که در اسلام، اهمیت انتخاب زن، از نظر تربیتی بیش از اهمیت انتخاب شوهر است (محیط و وراثت و به‌ویژه وراثت)؛ زیرا تأثیر زن در فرزند بیش از مرد است. این مطلب را از روایات معصومان علیهم‌السلام به خوبی می‌توان برداشت کرد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد انتخاب زن می‌فرماید:

و انظر فی ائى نصاب تضع وَلَدک فَاِنَّ العِرْق دَسَّاس (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۸۵۵)؛
بنگر که فرزندان را در چه نسل و نژادی قرار می‌دهی؛ زیرا رگ و ریشه خانوادگی در فرزند اثر می‌گذارد.

در روایتی دیگر می‌فرماید:

تزوِّجوا فی الحُبْز الصالح فَاِنَّ العِرْق دَسَّاس (همان، ۱۶، ص ۲۹۶)؛ با خانواده صالح ازدواج کنید که رگ و ریشه در فرزند اثر می‌گذارد.

همچنین می فرماید:

تخبروا لنطفکم و انتخبوا المناکح (همان، ص ۳۰۲). برای نطفه‌های خود [جایگاهی مناسب] برگزینید و زنان [نیک] را انتخاب کنید.

اما درباره ازدواج دختر و پذیرش خواستگار می فرماید:

هرگاه از دین و اخلاق خواستگار رضایت داشتید دختر را به او تزویج کنید (کلینی، ج ۵، ص ۳۴۷).

در روایتی دیگر امانت را نیز بیان می کند (همان جا).

بنابراین، درباره انتخاب شوهر تنها سه صفت دیانت، اخلاق و امانت را شرط کرده است و به احتمال قوی شرط کردن این سه صفت هم بیشتر در ارتباط با خود همسر است تا تأثیر آن در فرزند. تأثیر این سه صفت در فرزند نیز بیشتر از حیث تأثیرات محیطی است، نه تأثیر وراثتی؛ زیرا در روایتی دیگر پیامبر ﷺ می فرماید:

النکاح رقی فاذا أنکح أحدکم ولیده فقد أرقها، فلینظر أحدکم لمن یرق کریمته (حرّعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۵۲)؛ ازدواج بردگی است. پس هرگاه یکی از شما خواست دخترش را همسر دهد، باید دقت کند او را به بردگی چه کسی درمی آورد.

همچنین در روایت دیگری آمده است: شخصی از امام حسن علیه السلام درباره ازدواج دخترش سؤال کرد. امام فرمود:

زوّجها من رجل تقی فانه إن أحبها أکرّمها وإن أبغضها لم یظلمها (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۴)؛ او را به ازدواج مردی متقی درآور؛ زیرا اگر او را دوست بدارد احترامش خواهد کرد و اگر او را دوست ندارد به او ظلم نخواهد کرد.

بنابراین، شرایطی که در روایات برای مرد بیان شده برای فراهم آوردن آسایش همسر است؛ اما شرایطی که برای زن بیان شده، بیشتر یا همه، مربوط به تأثیر آن شرایط بر فرزند است. روایت امام صادق علیه السلام نیز شاهد دیگری بر این مدعا است. در این روایت امام علیه السلام می فرماید: زوّجوا الأحمق و لا تزوّجوا الحمقاء فإنّ الأحمق یُنجب والحمقاء لا تُنجب (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۵۴)؛ با مرد احمق ازدواج کنید، ولی با زن احمق ازدواج نکنید؛ زیرا مرد احمق فرزند نجیب می آورد، ولی زن احمق فرزند نجیب نمی آورد.

در روایتی دیگر آمده است که یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام در مورد ازدواج مردی با زن دیوانه زیبایی که از او خوشش آمده بود، سؤال کرد. امام فرمود:

لا و لکن إن کانت عنده أمة مجنونة فلا بأس بأن یطأها و لا یطلب و لدها (همان جا)؛

با او ازدواج نکنند، ولی اگر کسی کنیز دیوانه‌ای دارد اشکال ندارد که با او نزدیکی کند، ولی از او بچه‌دار نشود.

در روایت دیگری نیز می‌فرماید:

همنشینی با زن احمق بلا و فرزند او تباه است (همان، ۳۵۳).

در جمع بین این روایات باید گفت: به‌طور کلی در مورد این روایات سه احتمال را می‌توان مطرح کرد:

۱. همه این تأکیدها به علت تأثیرات محیطی مادر بر فرزند است؛

۲. همه این تأکیدها به لحاظ تأثیرات وراثتی مادر بر فرزند است؛

۳. این تأکیدها به سبب تأثیرات محیطی و وراثتی مادر بر فرزند است.

از میان این سه احتمال، احتمال دوم با این روایات سازگارتر است؛ زیرا روایات دسته اول که بر انتخاب و گزینش زن تأکید می‌کرد بر نقش رگ و ریشه تأکید داشت و این حاکی از تأثیرات وراثتی مادر بر فرزند است. به علاوه، روایت اخیر نیز که در آن امام باقر علیه السلام فرمود با کنیز دیوانه هم‌بستر شو ولی از انعقاد نطفه جلوگیری کن، حاکی از این است که زن دیوانه از نظر وراثت تأثیر می‌گذارد؛ زیرا اگر مراد، تأثیر تربیتی و محیطی بود، باید می‌فرمود تربیت او را به دیگری بسپار، نه اینکه از او طلب فرزند نکن. البته نمی‌توان گفت که این روایات درصدد نفی نقش محیطی مادر است؛ بلکه چون این نقش معمولاً بر همگان روشن است، روایات نسبت به آن ساکت‌اند، ولی چون نقش وراثت بر بسیاری از افراد پوشیده است و ممکن است مورد غفلت واقع شود، در روایات به آن اشاره شده است.

یک احتمال دیگر را نیز می‌توان در اینجا مطرح کرد و آن اینکه ممکن است مراد، تأثیر مادر از طریق شیر باشد؛ زیرا در روایات بر تأثیر شیر نیز تأکید شده است. در عین حال، چون در روایات دسته اول بحث از تأثیر رگ و ریشه است، نمی‌توان آنها را از نقش وراثتی مادر منصرف دانست. دست‌کم می‌توان گفت مراد روایات، احتمال سوم با تأکید بر نقش وراثت است.

بنابراین، معلوم می‌شود از نظر تربیتی تأثیر زن در فرزند، اعم از محیط و وراثت (دست‌کم در مواردی که مادر دارای کمبود عقلی است) بیش از مرد است. از این‌رو در اسلام بر دقت در انتخاب زن تأکید بیشتری شده است، ولی در پذیرش خواستگاری مرد، تنها سه ویژگی دین، اخلاق و امانت شرط شده است.

۲. آداب مباشرت:

از دیگر روش‌های زمینه‌ساز پیش از تولد در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت  و معاشرت و روابط صحیح و سالم پدر و مادر است. روابط درست والدین، علاوه بر اینکه الگوی سالم معاشرت را فراروی فرزندان می‌گذارد، موجب می‌شود فرزندان نیز برای والدین احترام ویژه‌ای قائل شوند و از آنها حرف‌شنوی داشته باشند. روابط والدین دامنه گسترده‌ای دارد. آنچه در اینجا مورد نظر است، بخشی از روابط والدین است که مربوط به پیش از تولد فرزند، یعنی روابط آنها در خصوص آمیزش و مباشرت است. در متون اسلامی، روایات بسیاری از بزرگان دین درباره آداب آمیزش و تأثیر آن در روح و جسم فرزند آمده است. آنچه در سیره معصومان  آمده، سفارش‌های پیامبر ﷺ به علی  در زمینه زمان، مکان، حالات روحی حاکم بر همسران در زمان آمیزش کرده است. پیامبر اکرم ﷺ در پایان سفارش خود می‌فرماید:

یا علی، إحفظ وصیتی هذه كما حفظتها عن أخي جبرئیل (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۹)؛
ای علی، این وصیت مرا بیاموز و به آن عمل کن؛ چنان‌که من آن را از برادرم جبرئیل،
آموختم و بدان عمل کردم.

حالات روحی و معنوی انسان و حتی نوع غذا به قدری در پیدایش فرزند مؤثر است که پیامبر ﷺ قبل از انعقاد نطفه فاطمه زهرا، تنها یادگار خود، به دستور خداوند، چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت؛ در پایان چهل روز هم از غذاهای بهشتی‌ای که جبرئیل برای او آورد، تناول کرد (قمی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۴۷) و نتیجه آن فرزندی شد که یازده امام معصوم از نسل او به بشریت روشنایی بخشید.

تأثیر آداب آمیزش در تربیت فرزند، که در سیره معصومان  و روایات ذکر شده، بر دو گونه است:

الف) تأثیر در صحت و سلامت جسمی و حتی چهره فرزند: امام حسن مجتبی  در این باره می‌فرماید:

اگر مرد با آرامش قلب و اعصاب راحت و غیر مضطرب با همسر خود آمیزش کند، نطفه در رحم، بدون اضطراب ساکن می‌شود و فرزند شبیه پدر و مادر خود خواهد بود. اما اگر مرد با اضطراب و اعصاب ناراحت با همسر خود بیامیزد، نطفه با اضطراب در رحم مادر قرار می‌گیرد و فرزند شبیه عمه، عمو، خاله، دایی و سایر اقوام خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۵۹).

البته این، بخشی از تأثیرات آرامش است که امام حسن مجتبی علیه السلام بیان کرده‌اند. تأثیرات جسمی دیگری نیز بر شرایط و محیط حاکم بر آمیزش مترتب است که در روایات دیگری آمده است؛ از جمله، پیامبر صلی الله علیه و آله در سفارش خود به امام علی علیه السلام می‌فرماید: ای علی، در آغاز، میان، و پایان ماه با همسرت هم‌بستر شو؛ زیرا احتمال جنون، جذام و فساد اعضا و عقل همسر و فرزندش زیادتر است (طبرسی، ۱۳۱۲، ص ۲۱۹).

ب) تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند: رعایت آدابی از قبیل ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن و دعا کردن پیش از آمیزش، موجب جلوگیری از دخالت شیطان می‌شود. قرآن کریم پس از ذکر اینکه شیطان بر آدم سجده نکرد و از درگاه خدا رانده شد و فرصت طلبید، می‌فرماید:

وَأَسْتَفْزِرُّ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْتِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ (اسراء، ۶۴)؛ هر کدام از آنها را که توانستی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی.

در این آیه به شیطان اجازه شریک شدن در مال و فرزند انسان داده شده است. طبیعی است تربیت و هدایت فرزندی که شیطان در ایجاد او دخالت دارد مشکل‌تر خواهد بود؛ چنان‌که تربیت کسی که از راه حرام به دنیا آمده باشد مشکل است. از این‌رو در اسلام مشاغل حساسی که نیاز به عدالت و تقوای در حدّ بالا دارد به زنازاده سپرده نمی‌شود.

همچنین رعایت نکردن آداب آمیزش، علاوه بر تأثیر بر فرزندی که نطفه او در حال انعقاد است، بر سایر فرزندان نیز اثر می‌گذارد. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هرگاه مردی با زنش هم‌بستر شود، در حالی که کودکی در اتاق بیدار است و آنها را می‌بیند و سخن گفتن و نفس زدن آنها را می‌شنود، آن کودک هرگز به رستگاری نخواهد رسید و خواه پسر باشد یا دختر، زناکار خواهد شد (حرّ عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۹۴).

با توجه به تأثیراتی که شرایط زمانی، مکانی، روحی و روانی تشکیل نطفه بر فرزند می‌گذارد، معصومان علیهم السلام آداب خاصی را برای آمیزش با همسر رعایت، و دیگران را نیز به آن سفارش می‌کردند.^۱

پیشرفت علوم، پذیرش این‌گونه تأثیرات را آسان‌تر کرده است؛ زیرا تأثیر زن‌ها و چگونگی عوامل نهفتگی و غلبه زن‌ها از نظر علمی به اثبات رسیده است. عوامل محیطی

۱. برای آگاهی از این آداب ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۸؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۹۹ و حلیة المتّقین مجلسی.

بخشی از عواملی است که در غلبه و نهفتگی ژن‌ها مؤثر است. آنچه در این روایات بیان شده نیز بخشی از عوامل محیطی است که ممکن است در غلبه ژن‌هایی که صفات خاص جسمی یا روحی را پدید می‌آورند مؤثر باشد.

خلاصه مبحث

بحث وراثت، محیط و تأثیر آنها بر تربیت و شخصیت انسان همواره مورد توجه روان‌شناسان و مربیان تربیتی بوده است. علاوه بر این دو عامل، قرآن و روایات، نقش عامل سوم تحت عنوان فطرت را مطرح می‌نمایند. با توجه به آیات و روایات، دو دسته عوامل در شخصیت و تربیت کودک دخالت دارند:

الف) عوامل پیشینی که خود شامل عوامل فطری یا ذاتی و عوامل ارثی یا مادرزادی می‌شوند؛

ب) عوامل پسینی که شامل محیط، تربیت و اراده می‌شوند. در واقع از زمان ازدواج و انتخاب همسر کانون خانواده و تربیت رقم می‌خورد؛ از آنجا که محیط تربیت را خانه و اجتماع تشکیل می‌دهد. در میان این دو، مهم‌ترین نقش را محیط خانواده ایفا می‌کند؛ زیرا کودک حساس‌ترین زمان رشد و تربیت خود را در خانواده می‌گذراند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، هم دیگران را به این امر خطیر سفارش کرده‌اند و هم خود در انتخاب همسر دقت داشته‌اند. احادیث و روایت‌هایی نیز در این خصوص ذکر شده که به نکات قابل توجهی در انتخاب همسر اشاره می‌نماید، از ویژگی‌هایی که در سیره معصومان علیهم السلام برای انتخاب همسر به آن توجه شده است می‌توان به رفتار نیکو و ادب همسر و خوش اخلاقی اشاره نمود. در روایات درباره انتخاب شوهر به سه صفت دیانت، اخلاق و امانت تأکید شده است و همچنین ذکر شده که از نظر اسلام اهمیت انتخاب زن بیش از اهمیت انتخاب شوهر است؛ زیرا تأثیر زن در تربیت فرزند بیش از مرد است.

از دیگر روش‌های زمینه‌ساز پیش از تولد در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آداب معاشرت و روابط صحیح و سالم پدر و مادر در خانواده است. روابط درست والدین علاوه بر اینکه الگوی سالم معاشرت در برابر فرزندان است موجب می‌شود فرزندان برای والدین احترام قائل شوند. یکی از مهم‌ترین روش‌های معاشرت شیوه مباشرت والدین است که رعایت آداب مباشرت نقش و تأثیر بسزایی در فرزندان می‌گذارد. این آداب در کتاب‌های

اخلاقی‌ای چون حلیة المتّقین مجلسی ذکر شده است که به برخی از آنها و آثار مادی و معنوی آنها در این مبحث اشاره شد. و همچنین از نتایج آداب معاشرت صحیح در قالب احادیث و روایات، به آثار ظاهری و معنوی متعددی اشاره شده است.